



ایران اسلامی

باران رحمتی که همه جا را یکسان فراگرفت

گمان میرفت، همزمان با سقوط دولت ساسانی، اساس تمدن و فرهنگ ایران باطلوع اسلام متزلزل گردد، ولی طولی نکشید که به بی پایگی این گمان روشن گشت.

پس از ورود اسلام بایران نه تنها فرهنگ و تمدن ایرانی آسیبی ندید، بلکه بالهام از معارف عالی اسلام تکمیل شد و جنبه جهانی بخود گرفت. هنگامیکه نسیم حیات بخش اسلام شروع بوزیدن کرد و بهرملتی که رسید روح تازه بر کالبد وجود آنان دمید، هر ملت با اندازه استعداد و شایستگی خود از تعالیم اسلام بهره برداری کرد و در تاریخ بشری منشاء اثر گردید و به تعبیر زیبایی پیامبر اکرم (ص): اسلام بسان باران رحمتی است که همه جا را یکسان فرا میگیرد و هر نقطه بقدر قابلیت و شایستگی خود از آن بهره مند میگردد. (۱) مناطق عربی ایران، هند، مصر، روم، افغانستان، و ترکستان همگی زیر پرچم پرافتخار اسلام درآمدند همه آیین ملل که اسلام را پذیرفتند هر کدام دارای روحیات خاصی بودند مثلاً عربها با داشتن حس سلحشوری و جنگجویی که خمیره وجود آنها بود اسلام را قبول کردند و ملت ایران که ذاتاً علم پرور و دانش دوست بودند با همان روحیه رو باسلام آوردند و در این هنگام رهبران اسلام از مواهب طبیعی و استعدادهای مختلف که در این ملل تازه مسلمان وجود داشت، در پیشبرد اهداف مقدس اسلام بهره برداری نمودند و آنها را بطرز صحیحی رهبری

۱- تشبیه اسلام به باران پربرکت، مضمون حدیثی است که از پیامبر

اکرم رسیده است.

کردند. و در پرتو روح سلجشوری ملت عرب دامنه فتوحات اسلامی برق آسا گسترش یافت. همچنین از شایستگی و لیاقت ایرانیان در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی استفاده شایانی بعمل آمد.

خود پیامبر اکرم نیز در ضمن حدیثی باین حقیقت تصریح فرموده است: «اگر دانش در آسمان باشد باز هم مردانی از ایران بدان دست خواهند یافت» (۱)
 در این باره دانشمند معروف هندی (شبللی نعمانی) چنین میگوید:
 «ایرانیان که در تمدن و تهذیب اخلاق و علم و ادب و فنون ممتاز بودند بعد از قبول اسلام خصایص مربوط در آنها اوج گرفت و باعلی درجه کمال رسیدند.
 بوعلی سینا، غزالی، رازی، طوسی، بخاری، مسلم، سیبویه و جوهری همه از ایران برخاسته اند و امروز در تمام دنیای اسلام اصول تربیت و تمدن ایران جاری و علوم و ادبیات آن در تمام ممالک اسلامی شایع و منتشر میباشد.
 سرزمین ایران در تربیت فنون عالی و صنایع نفیس همیشه بر تمام تفوق و برتری داشته خاصه فن شعر و ادب که از خصایص عالی ایرانیان شمرده میشود.

اسلام روح خاص در آن دمید بدرجه ای ترقی داد که اشعار ایران يك تنه با اشعار تمام دنیا برابری میکند» (۲)
 آری ایرانیان در سایه اسلام استعداد خود را بکار انداختند و با همکاری ملتهای دیگر فرهنگ عظیم و تمدن باشکوه اسلامی را بوجود آوردند. شك نیست که سهم اقوام مختلف که در توسعه این تمدن و فرهنگ بذل مساعی کرده اند نباید از نظر دور بماند ولی باعتراف فیلسوف تاریخ «ابن خلدون» (مړك ۵۷۵ هـ ۱۳۴۹ م) ایرانیان در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی سهم بیشتری داشته اند. (۳)

خدمات ارزنده ایرانیان در تمدن و فرهنگ اسلامی یحدی است که توجه خاورشناسان را نیز بخود جلب نموده است چنانکه یکی از دانشمندان بزرگ غرب (ریچاردن. فرای) می نویسد:

«ایران اسلامی به راهی بس درخشان اقتاد حافظ، سعدی و خیام و بسیاری از نویندگان و هنرمندان دیگر در دامن خود پرورش داد ولی در پشت این شعرها و فرشها و هنرها که در

(۱) لوکان العلم بالثریا لوجد ، رجال من ابناء الفارس - مسند احمد حنبل ج ۲ ص

۲۹۶-البیان والتبیین ج ۱ ص ۲۹۶

(۲) ادبیات منظوم: دیباچه ترجمه محمد تقی فخر کیلانی

(۳) مقدمه ابن خلدون ص ۵۴۳ ط مصر- دانشمند معروف جرجی زیدان هم باین مطلب

تصریح کرده است (تاریخ التمدن الاسلامی ج ۲ ص ۵۴)

سراسر آن بهم پیوسته است و نفوذش تا به امروز ادامه یافته است. این نفوذ اگرچه گاهی از دیده نماند؛ با اینهمه همیشه بجای بوده است. (۱)

این فرازها میرساند که فرهنگ وسیع و جهانی اسلام برخلاف پندار گروهی، هرگز با فرهنگها و تمدنهای اصیل و صحیح ملل نه تنها آسیبی نرسانده بلکه به طرز صحیحی به تکمیل آنها همت گماشته است و همچنین «ویل دورانت» مورخ معروف می نویسد: مسلمانان تیزهوش خیلی زود همه فرهنگ ملل مغلوب را فرا گرفتند و به اقوام مغلوب چنان نرمش نشان دادند که اکثریت شاعران و عالمان و فیلسوفانی که زبان عرب را از لحاظ علم و ادب غنی ترین زبان جهان کردند از ایشان بود، و در بین این گروه فیلسوف و عالم و شاعر عرب اصیل، اقامتی ناچیز بودند» (۲)

پیوند فرهنگها :

یکی از عوامل مهم پیشرفت تمدن و فرهنگ در جهان، تبادل علمی و فرهنگی میان ملتهای مختلف است زیرا در این صورت هرملتی علاوه بر آنچه خود دارد از ثمرات افکار دیگران نیز برخوردار شده بر فرهنگ و تمدن خود می افزاید.

در تاریخ بشری در هر زمان و بهرملتی که چنین شرائطی فراهم گشته است پشت سر آن بی درنگ جنبش علمی و فرهنگی در آن جامعه شروع شده است. چنانکه در ایران ساسانی خاصه در عهد انوشیروان این شرائط تا اندازه ای فراهم گردید و اثر نیکویی در فرهنگ ایران بجا نهاد.

ایران ساسانی از لحاظ جغرافیائی در میان کشورهای با فرهنگ و متمدن قرار داشت و نامی ترین آنها دولت هندو یونان، دو همسایه شرقی و غربی ایران بود که هر یک در رشته های از معارف عصر خود گامهایی برداشته بودند.

افکار یونانی توسط چند نفر از دانشمندان مسیحی (نسطوری) که از آسیای صغیر بایران پناهنده شده بودند بفرهنگ ایران سرایت کرد و بدینوسیله ایرانیان باطرب و فلسفه یونان آشنا گشتند. (۳)

و از طرف دیگر فرهنگ هندی نیز در میان ایرانیان رواج گرفت و می نویسند در همین عصر بود که سفر برزویه طبیب بطور مخفیانه برای بدست آوردن کتابهای علمی و همچنین مطالعه در طب و دانشهای هندی صورت گرفت (۴)

(۱) میراث باستانی ایران. ترجمه مسمود رجب نیا ص ۴۰۵

(۲) تاریخ ویل دورانت ج ۱۱ ص ۱۴۲

(۳) علوم و ادبیات ایرانی ص ۵

(۴) دیباچه کتاب و کلیله و دمنه، و کتاب ایران در زمان ساسانیان : کریستن سن ص ۳۰۱

بدینوسیله از بهم پیوستن افکار و دانش ملت‌های مختلف زمینه‌ساعدی برای پیشرفت علم و فرهنگ ایران فراهم گردید و برای تحولات بزرگ علمی آماده گشت. هنگامیکه، آئین اسلام بانیروی خدائی و دانش پروری خویش از اقیانوس باختری تا اقیانوس خاوری سایه افکند تمام مرزهاییکه ملت‌ها را از هم جدا می‌ساخت بکلی از بین رفت و درحوزه وسیع جهان اسلام اقوام مختلف عرب، ایرانی، مصری، ترک، حبشی، هندی، چینی و افریقائی بهم پیوسته از ترکیب آنها ملتی واحد بوجود آمد که در راه پیشرفت علم و فرهنگ و تمدن و صلاح جامعه هماهنگی کاملی داشتند و تمام ذخائر و میراث گرانقدر فرهنگی که در طول تاریخ اندوخته بودند با کمال صدق و صفا بهم درآمیختند. بدین ترتیب از بهم پیوستن ملت‌ها و از پیوند فرهنگ اقوام مختلف؛ چنان فرهنگ عظیم و نیرومندی بوجود آمد که کاملاً بی‌سابقه بود.

این فرهنگ جامع و با شکوه با اینکه مزایای هر فرهنگ را داشت و معجونی بود که از پیوند فرهنگ‌های مختلف بوجود آمده بود ولی با اینحال هیچ رنگ خاصی نداشت جز رنگ خالص اسلام و یا به تعبیر بهتر: «همه جایک دین بود و یک فرهنگ» فرهنگ اسلامی که فی‌المثل زبانش عربی بود، فکرش ایرانی خیالش هندی بود، اما دل و جان‌ش اسلامی بود و انسانی. پرتو آن در سراسر قلمرو اسلام وجود داشت. مدینه، دمشق، بغداد، ری، نیشابور، قاهره، قرطبه، غرناطه، قوینه، قسطنطنیه، کابل، لاهور، و دهلی، زادگاه آن همه جا بود و هیچ جا در هر جا از آن نشانی بود، و در هیچ جارنگ خاصی بر آن قاهر نبود. اسلامی بود؛ نه شرقی و نه غربی، با اینهمه رشد و نمو آن در طی مدت سه چهار قرن متوالی چنان سریع بود که فقط بیک معجزه شگرف می‌مانست» (۱)

بقول یکی از خاورشناسان (آلفرد گیوم): همین اسلام و امپراطوری بزرگ اسلامی بوده است که علوم و صنایع ملل گوناگون را با یکدیگر ترکیب و آنرا بصورت کامل و زیبایی بجهان علم و صنعت اهداء کرده است» (۲)

خلاصه، اگر ایران پیش از اسلام، به فرهنگ هند و یونان از پشت مرزهای محکم با زحمت فراوان دست می‌یافت ایران اسلامی در بهره‌برداری از فرهنگ ملت‌های مختلف دنیا، هیچ مرزی در میان نداشت و لذا ایرانیان مسلمان با کوشش بسیار در سایه اسلام، به تکمیل فرهنگ خود پرداختند و با خدماتی پرارزش و ثمربخش در کلیه شئون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تحولی شگرف بوجود آوردند که مظاهر شکوه‌مند این کوشش‌های ارزنده در سراسر دنیا بچشم می‌خورد.

(۱) کارنامه اسلام: دکتر عبدالحسین زرین کوب ص ۲۳

(۲) میراث اسلام: مقدمه مؤلف (آلفرد گیوم) مدیر دانشکده کولهام.